

محمود معظمی:

ایجاد گره‌های زیاد هدفم در ساخت «بوی باران» بود

کاراکترهای طراحی شده در داستان انتخاب شوند. در همه این سال‌ها سعی کرده‌ام نسل جوان تر دنیای بازیگری را در کنار حرفه‌ای و قدیمی‌ها قرار دهم. فکر می‌کنم با این شیوه کار بازیگرهای تازه‌های معرفی می‌شوند. به این طریق بازیگران جدید به رسانه معرفی می‌کنیم و ضمن این که ترکیب بازیگران حرفه‌ای و بازیگران تازه‌نفس، کار را برای کارگردان سخت می‌کند به این دلیل که باید بازیگر کم تجربه را به حرفه‌ای‌ها نزدیک کنیم و اگر نتیجه این کنار هم قرار گرفتن مثبت باشد، اتفاق خوبی می‌افتد و کارگردان به خواسته مطلوبش می‌رسد.

محمود معظمی از آن کارگردان‌هایی است که معمولاً در آثارش از بازیگران تازه‌نفس و جوان استفاده می‌کند و چهره‌های جدیدی به تلویزیون و سینما معرفی می‌کند. او که به تازگی اثر تازه‌اش در تلویزیون به نام «بوی باران» (عروس تاریکی) از شبکه یک سیما روی آنتن رفت باز هم به چهره‌های تازه رسیده که درباره‌شان به «صبا» گفت: در آثار تلویزیونی و هر اثر نمایشی دیگر، چیدمان بازیگرها یکی از دغدغه‌های اصلی کارگردان است که باید بر اساس قصه و



فاطمه رستمی

نویسنده



محمود معظمی:

من در کارگردانی سعی کردم صحنه‌ها را طوری طراحی کنم که گره‌های بیشتری در ذهن تماشاگر سرریال ایجاد شود و بیشتر از دنبال کردن داستان لذت برد. مخاطب در کنار دیدن زندگی کاراکترهای مختلف سرریال به رمزآلودی آن‌ها پی می‌برد و سعی می‌کند برای باز کردن گره‌ها خودش را با کاراکترهای مجموعه همراه کند. خیلی خوب است که برای مخاطب ارزش قائل باشیم و او را به فکر وادار کنیم و خوراکی به او بدهیم که ارزشمند باشد

این یکی از شیوه‌های پر مخاطب سرریال سازی در دنیاست

او معتقد است ژانر سرریال «بوی باران» توجه مخاطب را به خود جلب کرد و درباره خصوصیات این گونه توضیح داد: در سرریال «بوی باران» سبک رئالیسم اجتماعی را دنبال می‌کنیم و ژانر ما ملودرام خانوادگی یا معمایی-جنایی است. این یکی از شیوه‌های پر مخاطب سرریال سازی در تمام دنیاست. ژانر معمایی-جنایی همیشه کشش و جذابیت خاصی دارد. خودم چند کار در این زمینه ساختم و کار در این ژانر را دوست دارم. یکی از محاسن این ژانر ایجاد تعلیق و گره‌های زیاد به واسطه روایت غیرخطی قصه است. این گره‌ها باعث می‌شود بیننده دنبال ادامه قصه باشد و در او کشش ایجاد می‌کند و در ذهنش سوال ایجاد می‌شود. این شیوه در همه دنیا جواب داده و پر مخاطب بوده است. اتمسفر قصه ما به گونه‌ای است که مخاطب را با گره‌های متفاوتی روبه‌رو می‌کند و در لایه‌های درونی قصه رگه‌های ایدئولوژیک را تزریق می‌کند. من در کارگردانی سعی کردم صحنه‌ها را طوری طراحی کنم که گره‌های بیشتری در ذهن تماشاگر سرریال ایجاد شود و بیشتر از دنبال کردن داستان لذت برد. مخاطب در کنار دیدن زندگی کاراکترهای مختلف سرریال به رمزآلودی آن‌ها پی می‌برد و سعی می‌کند برای باز کردن گره‌ها خودش را با کاراکترهای مجموعه همراه کند. خیلی خوب است که برای مخاطب ارزش قائل باشیم و او را به فکر وادار کنیم و خوراکی به او بدهیم که ارزشمند باشد.

«بوی باران» آسیب‌ها را نشان می‌دهد

او درباره طراحی شخصیت اصلی سرریال گفت: شخصیت «شهاب» در فضای قصه به صورتی طراحی شده است که می‌بینیم پیش‌داستان‌هایی برای او وجود دارد و شاهد گذشته خاکستری آن‌ها هستیم. زندگی از هم گسیخته «سیاوش» و «سیمین» به دلیل اشتباهاتی که «سیاوش» در گذشته خودش کرده در روند تربیت فرزندشان هم تاثیر گذاشته است. پدر به دلایلی بالای سر خانواده نبوده یا دوردور نظارت می‌کرده، مادر با چنگ و دندان پسر

افسار گسیخته‌اش را مهار می‌کند و سعی دارد پسرش را به راه درست هدایت کند و از انحراف او جلوگیری کند. می‌بینیم پدر از خانواده طرد شده و حالا باید پدری کند و پسرش را نجات دهد. تاثیر روابط زن و شوهر و در کنار هم نبودن آن‌ها و کمبودهای اجتماعی، روان‌شناسانه «شهاب» روی رفتارش اثر مخرب گذاشته است. شرایط مختلفی مسبب آسیب‌هایی است که «شهاب» وارد می‌شود و ما همین آسیب‌ها را که منشأ آن در اجتماع و خانواده است مورد توجه قرار داده‌ایم. در سرریال «بوی باران» آسیب‌ها را نشان داده‌ایم و در کنارش سعی کرده‌ایم راهکارهای برون‌رفت از آسیب را هم بیان کنیم و فکر می‌کنم این هدف بزرگی است که در مجموعه اجرا کرده‌ایم.

تعدد لوکیشن یکی از راه‌های جذب مخاطب است

یکی از ویژگی‌های «بوی باران» با اغماض بر برخی از نقاط منفی‌اش، تعدد لوکیشن این مجموعه بود که محمود معظمی؛ کارگردان این مجموعه، درباره آن اظهار داشت: برآورد این سرریال نسبت به سرریال‌هایی که در سال‌های اخیر ساخته شده، بسیار کمتر بوده و آقای تخت‌کشیان سعی کردند هر چه می‌خواهیم را در مطلوب‌ترین شکل ممکن به ما برسانند. متن درست عباس نعمتی که قصه خوبی نوشته و تدوینگر ما نیمان حسن دوست، همه باهم باعث شد بتوانیم ایده‌هایمان را عملی کنیم. سرریال «بوی باران» لوکیشن‌های زیادی دارد و ما بالای هزار لوکیشن عوض کرده‌ایم. تعدد لوکیشن به لحاظ بصری همسو با قصه تعیین و طراحی می‌شود و به جذب تماشاگر به سرریال کمک زیادی می‌کند. من در ساختار سرریال به پر تحرک بودن پلان‌ها، میزانشن‌ها، نمای بصری و... توجه زیادی دارم و دوست دارم مخاطب از آنچه به او ارائه می‌شود واقعا لذت ببرد. اگر مخاطب راضی باشد ما بزرگ‌ترین خسته‌نباشید را از آن‌ها دریافت می‌کنیم. در برخی مجموعه‌ها تعدد لوکیشن کمتر است به این دلیل که تهیه‌کننده باید هزینه مالی بیشتری را برای تعدد لوکیشن متقبل شود و در سریال‌های گروه سازنده هم دوچندان می‌شود، اما به هر حال به روند و پیشبرد قصه به واسطه جذابیت‌های بصری کمک زیادی می‌کند.